

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی-کابل

۰۷ فبروری ۲۰۱۸

"غنی" و تصفیة اردو*

۱

سه شنبه- ۱۷ دلو ۱۳۰۶ - کابل: از طریق رسانه ها اطلاع یافتیم که "غنی احمدزی" دیگ خشم برخاسته از تحولات اخیر در کشور را بالای عده ای از افراد به اصطلاح "اردوی ملی" خالی نموده، ۱۶۴ تن از جنرالان و مقامات عالی رتبه آن اردو را به تقاعد سوق داده است. در اینجا خواهم کوشید تا علل چنین تصمیم دیوانه واری را تاجائی که اطلاع یافته ام بنگارم، اما قبل از آن و به مثابه مقدمه:

خلاف تمام تبلیغاتی که دولت دست نشانده در جریان تمام سالهای اقتدارش انجام داده و با وجود آن که صفوف اصلی این اردو را فرزندان توده های میلیونی کشور روی مجبوریت معیشتی تشکیل می دهد، این اردو هیچ گاهی "اردوی ملی" نبوده و تحت حاکمیت یک نظام دست نشانده نمی تواند "اردوی ملی" بگردد.

با یک نظر اجمالی به تاریخ تشکیل اردو در افغانستان معاصر، یعنی آن گاهی که "امیرشیر علی خان" پایه و اساس یک اردو را گذاشت، مشخص بود که آن اردوی امیر شیر علی خان بود، نه اردوی ملی که مدافع منافع ملت افغانستان باشد، به همین سان در زمانهای بعدی از "امیر عبدالرحمان خان" گرفته تا به وجود آمدن جمهوریت در افغانستان، آن اردو ها، موسوم به "اردوی شاهی" افغانستان بود. نه تنها نفس چنین نامگذاری به خودی خود مبین آن بود که نباید بر آن اردو، اسم "اردوی ملی" را گذاشت، بلکه عملکرد آن اردو در درازنای تاریخ از قتل های عام مردم بیگناه در دوران "امیر جلال" گرفته تا کشتار هائی که در زمان ظاهرخان در قندهار و کنر و در سوم عقرب به فرمان سردار عبدالولی در شهر کابل علیه مظاهره چیان بی سلاح صورت گرفت، همه بیانگر این است که آن اردو ابزاری بود در دست طبقه حاکم علیه کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان و آزادیخواهان کشور.

از زمان "داوود" خان که اسم اردوی شاهی به "اردوی جمهوری" تغییر یافت که بگذریم، بعد از آن در جریان حاکمیت مزدوران روس، مزدوران امریکا، عربستان، ایران و پاکستان، در وجود باند های منادی اسلام سیاسی تلاش تمام قدرتمندان آن بوده است تا اردو و یا هم کاریکاتور اردو، مطلقاً مدافع حزبی آنها باشد. منافع حزبی که هیچ وجه مشترکی با منافع ملی نداشته، استفاده از آن در تقابل با ملت و کشتار ملت به وسیله آن، نمایانگر دشمنی آن اردوها با ملت و منافع ملی بود.

از تجاوز جنایتکارانه و خونین امپریالیسم امریکا و شرکاء تا این زمان، این اردو به خواست و بر مبنای ضرورت های استعمار به وجود آمده، به وسیله استعمار اعاشه شده، به وسیله استعمار اکمالات همه جانبه نظامی شده و در تمام تاریخ حیاتش مدافع منافع استعمار و مجری سیاست های آن بوده است.

با تأکید باید افزود که خاستگاه عمدتاً دهقانی صفوف و عساکر اردو، به هیچ صورتی نمی تواند ماهیت غلیظ وابستگی آن را به استعمار و این که ابزار است در خدمت استعمار و ارتجاع کتمان نموده، به این اردو و منسوبین آن صیغه شبه ملی اعطاء نماید تاچه رسد به ملی. علم انقلاب به ما می آموزاند که در این مورد و موارد مشابه، آنچه مهم است، موضعگیری طبقاتی افراد است نه خاستگاه آنها. وقتی فردی از خاستگاه طبقاتی توده ها اعم از کارگری، دهقانی و سایر اقشاری که می توانند در آن طیف بگنجد، قبول می نماید تا به خاطر سیر کردن شکم خود و فامیلش، به چنین اردوئی پیوسته، به مثابه ابزاری در خدمت استعمار علیه مردم خودش قرار گیرد، اولتر از همه به طبقه خودش خیانت می ورزد و از مجرای خیانت به طبقه اش- منظور همان خاستگاه طبقاتی است- در خدمت تحکیم مواضع طبقات دشمن ملت که در اینجا کمپرادوریسیم و فنودالیسم است، گام می گذارد. "اردوی ملی" به آن اردوئی گفته می شود که حافظ منافع کوتاه مدت و دراز مدت ملت و مردم یک سرزمین باشد، جهت حفظ منافع ملی به وجود آمده باشد، و دفاع از منافع ملی، حاکمیت ملی و استقلال کشور آن اهداف و خواستهائی باشد که جهت تحقق آن به وجود آمده و برای حفظ آن جان بدهد.

بادر نظر داشت چنین دیدگاهی از همان آغاز باید به صورت روشن بنویسم که خلاف تمام رسانه ها و مبصران سیاسی - نظامی من این اردو را "اردوی ملی" ندانسته، آنچه در موردش می نویسم بحثی است در مورد اردوی مستعمراتی و ضد ملی و بیان تضاد های درونی و ظرفیت انطباق آن با کشور های اشغالگر!

ادامه دارد

*- باعرض پوزش خدمت آن عده از افسران شریفی که در چنین اردوئی خدمت نموده اند، باید تذکر دهم: تاجائی که من می دانم و دوستان دور و نزدیک مستقیماً برابم گفته اند و یا از طریق نوشته ها خوانده ام، آن عده از افسرانی که واقعاً می خواستند به خلق خدمت نمایند، هیچ گاهی اهداف شان، با اهداف رسمی این اردو یکسان نبوده است. بناء چنان افسرانی نباید این قضاوت را علیه خود بدانند.

قریشی